[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

مطالعات تاریخ اسلام
سال چهاردهم، شماره ۵۳، تابستان ۱۴۰۱، مقاله علمی و پژوهشی، صفحات ۳۱-۵۸

: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1

الخامیادو؛ خاستگاه، علل پیدایش، تحولات و جایگاه میراثی آن[۱]

مینا توانا[۲]
سید احمدرضا خضری[۳]

چکیده: «الخامیادو» یک شگرد زبانی است که مدجّن‌ها و موریسک‌ها (واپسین مسلمانان اندلس) پس از بازپس‌گیری آن سرزمین توسط مسیحیان، برای برقراری ارتباطات مخفیانه میان هم‌کیشان و پاسداری از میراث فرهنگی و علمی خود به کار می‌گرفتند. این پژوهش بر آن است تا با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع و شواهد موجود، در گام نخست چیستی، ویژگی‌ها و خاستگاه الخامیادو را بررسی کرده و در گام دوم نقش این شیوهٔ زبانی را در پاسداشت میراث علمی و فرهنگی مسلمانان بیان نماید و به پرسش‌هایی که دربارهٔ علل پیدایش، ارزش علمی و عوامل فراز و فرود این ادبیات وجود دارد، پاسخ گوید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الخامیادو برگرفته از واژهٔ عربی «الاعجمیه» و یا «الجامعه»، در دوره مدجّن‌ها ابداع شده و استفاده از آن همزمان با افزایش سختگیری بر مسلمانان گسترش یافته و در دوره موریسک‌ها به اوج رسیده و آثار قابل توجهی پدید آورده و پس از اخراج مسلمانان از اندلس (۱۰۱۸-۱۰۲۳ق/ ۱۶۰۹-۱۶۱۴م)، در میان هاله‌ای از ابهام از میان رفته است.

واژه‌های کلیدی: اندلس، الخامیادو، مدجّن‌ها، موریسک‌ها، طغری، الاعجمیه، الجامعه

---

۱ این مقاله مستخرج از رسالهٔ دکتری مینا توانا به راهنمایی دکتر سید احمدرضا خضری است.

۲ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) m.tavana@ut.ac.ir
۳ استاد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران akhezri@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

A Quarterly Journal Of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 14, No 53, Summer2022
Reserch Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 31-58

Aljamiado: the Origin, Causes of Emergence, its Developments and Heritage Status

Mina Tavana[1]
Seyyed Ahmad Reza Khezri[2]

Abstract: Aljamiado is a language trick used by the Mudejars and Moriscos (the last Andalusian Muslims) after the re-conquest of the Andalus by the Christians, to communicate secretly among their coreligionists and to protect their cultural and scientific heritage. This research intends to use descriptive-analytical method and using the available resources and evidence in the first step, to examine the nature, characteristics and origin of Aljamiado, and in the second step to clarify the role of this linguistic method in preserving the scientific and cultural heritage of Muslims. It also answers questions about the origins, scientific value, and rising and falling of this language. Findings show that Aljamiado, derived from the Arabic word al-Aʹjamiyya or Aljamiʹa, was invented during the Mudejars period and its use expanded with increasing strictness on Muslims and reached its peak during the Moriscos period, and caused significant effects. After the expulsion of Muslims from Andalusia (1018-1023 AH/ 1609-1614 AD), it disappeared and left much ambiguity.

Keywords: Andalusia, Aljamiado, Mudejars, Moriscos, Ṯaḡarí, Aljamia, Aljama

۱ PhD Student of History and Civilization of Islamic Nations, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author) m.tavana@ut.ac.ir

۲ Professor, History and Civilization of Islamic Nations, University of Tehran, Tehran, Iran akhezri@ut.ac.ir

Recive Date: 2022/02/6 Accept Date: 2022/05/23

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

مقدمه

پیش از پرداختن به موضوع اصلی، لازم است برخی از واژه‌ها و مفاهیم مهم به اختصار مورد بررسی قرار گیرد. واژه‌هایی چون مدجّن،[۱] طغری[۲](ثغری) و موریسک[۳] که با توجه به شرایط زمانی- مکانی در اسپانیای مسیحی برای تمایز میان مسلمانان باقی مانده، تحت حاکمیت مسیحی به وجود آمدند.

بازپس‌گیری اندلس فرایندی تدریجی بود و شهرهای اسلامی به یکباره تحت حاکمیت مسیحیان درنیامدند. میان اولین استرداد، کوفادونجا[۴] در سال ۱۰۳ق/۷۲۲م. تا غرناطه،[۵] آخرین پایگاه مسلمانان در اندلس، حدود هفت قرن فاصله است (Cebrián, 2003: 33, 36, 45). در این میان، شهرها یکی پس از دیگری از سیطرهٔ مسلمانان خارج می‌شدند. پیش از سقوط کامل حکومت مسلمانان در اندلس (۸۹۷ق/ ۱۴۹۲م)، مسلمانان ساکن در هر یک از شهرها که تحت تسلط پادشاهی اسپانیا در می‌آمدند، اصطلاحاً «مودخار» یا مدجّن نامیده می‌شدند. مدجّن‌ها می‌توانستند زبان، فرهنگ و مذهب خود را به عنوان یک جامعهٔ در اقلیت، حفظ کنند (همتی گلیان، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۹)،[۶] اما گاه با گذشت زمان، به‌ویژه در مناطق مرزی اسپانیا، فرهنگ مدجّن‌های تحت سلطه در فرهنگ اکثریت میزبان مستحیل می‌شد و به عنوان یکی از نشانگان استحالهٔ فرهنگی، زبان مبدأ خود را از دست می‌دادند و به اصطلاح تک‌زبانه می‌شدند. این مدجّن‌های تک‌زبانه را «طغری»[۷] نام

---

۱ Mudejar

۲ Ṯaḡarí

۳ Morisco

۴ Covadonga: مسلمانان اسامی آن دسته از شهرهای اسپانیا را که به «ا» ختم می‌شدند، به دو صورت معرّب می‌کردند. گاهی به صورت «الف» و گاهی به صورت «های» غیر ملفوظ. مثلاً برشلونه و برشلونا برای بارسلونا؛ یا بمبلونه را برای پامپلونا. البته به نظر می‌رسد کوبادونگا اساساً اسپانیولی نبوده و شاید ریشه در زبان باسکی داشته است. با این همه، عرب‌ها آن را به دو صورت کوفادونجا، کوفادونجه یا کوبادونجه و کوبادونجا به کار می‌برده‌اند. این نام گویا در منابع عربی به کار نرفته، اما در آثار متأخر آمده است.

۵ Granada

۶ عبدالله همتی گلیان (۱۳۸۹ش)، *مدجنان، پژوهشی در تقابل و تعامل اسلام و مسیحیت در اسپانیا*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

۷ طغرین‌ها یا همان ثغری ها مسلمانانی بودند که در پادشاهی‌های مسیحی مرزی مانند آراگون یا والنسیا زندگی می‌کردند و به زبان‌های رومی و بومی با تسلط بسیار سخن می‌گفتند؛ به‌طوری که به سختی از مسیحیان متمایز

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

نهادند تا از سایر مدجّن‌ها متمایز شوند.[۱] همین استحاله زنگ خطری بود برای علما، فقها و نخبگان دغدغه‌مند مدجّن تا به نحوی از فراموشی زبان عربی که زبان قرآن و از مظاهر مسلمانی است، جلوگیری کنند (Epalza,1992: 50- 51, 54)؛ که یکی از راهبردها، ابداع و به کارگیری نوع خاصی از زبان مخفیانه با نام الخامیادو بود تا علاوه بر ایجاد ارتباط میان هم‌کیشان هم‌عصر، بتواند اهداف ویژهٔ مدّ نظر را نیز دنبال کند.

پس از فرمان یکسان‌سازی دینی و تفتیش عقاید در مناطق مختلف اسپانیا -که ابلاغ و اجرای آن در پادشاهی‌های مختلف یکسان نبود-[۲] و اجبار مسلمانان باقیمانده به تغییر دین، با تغییر تعابیر «مدجّن» و «طغری» به واژهٔ «موریسک» مواجه می‌شویم. موریسک‌ها علاوه بر زبان و مذهب، سایر تظاهرات فرهنگی- اجتماعی خاص خود را نیز باید به ورطه فراموشی می‌سپردند (Harvey, 2005: 46). استفاده از زبان مخفیانهٔ الخامیادو برای نگارش متون و حفظ ارتباط مخفیانه، در دورهٔ موریسک‌ها نیز ادامه داشت و نسخ خطی بر جای مانده نشان دهندهٔ میزان اقبال آنان به این سبک خاص از نگارش متون بوده است.

درباره این متون خطی بر جای مانده انبوهی از پژوهش‌های مختلف به صورت موردی یا کلی توسط پژوهشگران غربی، به‌ویژه اسپانیایی‌زبان صورت گرفته است؛ تا جایی که برخی از آنها به متخصصان بنامی در این حوزه تبدیل شده‌اند که در این مقاله مهم‌ترین آنها معرفی شده و آثارشان مورد استفاده قرار گرفته است. البته بحق پیش‌قراولان متخصص در این موضوع را می‌توان فهرست‌نویسان این متون به شمار آورد که امکان تحقیق و بررسی متون الخامیادو را برای سایر محققان فراهم

می‌شدند (ن.ک. به: *Lexico*, "Tagarino"؛ همچنین *RAE*, "Tagarino, Na"; Epalza, 1992: 55, 226; Vélez de Guevara, 2010: 127).

۱ البته عامل موقعیت جغرافیایی در کاربرد این واژه نقش اساسی دارد. درحالی‌که در شمال اسپانیا مسلمانان باقیماندهٔ کاستیل و آراگون تقریباً تک‌زبانه بودند، در بخش‌های جنوبی برخی والنسیایی‌ها عربی اندلسی را تا زمان اخراج، یعنی ۱۰۱۸– ۱۰۲۳ق/ ۱۶۰۹-۱۶۱۴م. نه تنها حفظ کرده بودند، بلکه در معاملات و محاورات روزانه نیز از آن بهره می‌گرفتند.

۲ فرمان تغییر دین و اجرای آن، نخست از پادشاهی کاستیل آغاز شد (۱۵۰۰-۱۵۰۲م)؛ پس از آن سرزمین‌های ناوار (۱۵۱۵- ۱۵۱۶)؛ در ادامه پادشاهی آراگون شامل کاتالونیا، آراگون و والنسیا (۱۵۲۳- ۱۵۲۶) (ن.ک. به: Harvey, 2005: 14, 21- 22).

آورده‌اند؛ مانند «ادواردو سابدرا موراگاس»[۱] که در سال ۱۸۸۹م. کتابی با عنوان *فهرست عمومی ادبیات الخامیادا نگاشت*. یا *فهرست نسخ خطی عربی* موجود در کتابخانه ملی مادرید که توسط گیلن روبلز (۱۸۸۹) گردآوری شده است.[۲] اثر «گالمس دی فوئنتس» با عنوان *دست‌نوشته‌های الخامیادو- موریسکی کتابخانه آکادمی سلطنتی تاریخ (میراث پاسکوال گایانگوس)* نوشته شده در سال ۱۹۹۸م.[۳] و نیز فهرست تهیه شدهٔ خولیان ریبرا و میگل آسین در سال ۱۹۱۲م. با عنوان *نسخه‌های خطی عربی و الخامیادوی کتابخانه د لا خونتا*[۴] و فهارسی از این دست (ن.ک. به: ادامه مقاله)؛ که از همهٔ آنها در نگارش این مقاله بهره گرفته شده است. به هر روی، از آنجا که بیشتر وقایع و اتفاقات مربوط به این عصر و مکان از تاریخ اسلام، توسط فاتحان مسیحی ثبت و ضبط شده، برای مورخان و محققان مسلمان بررسی دقیق این متون به جای مانده در بازیابی و بازشناسی نقاط تاریک تاریخی در غرب جهان اسلام پس از شکست کامل مسلمانان و تسلیم مناطق اسلامی اندلس، بسیار ضروری به نظر می‌رسد. هرچند ظاهراً به سبب دشواری روند پژوهش در این حوزه، موضوع متون الخامیادو تاکنون به‌طور مستقل مورد بررسی محققان داخلی قرار نگرفته و تقریباً هیچ پژوهش مستقل داخلی به این موضوع اختصاص نیافته است. مقاله «مدجّنان و موریسکوها در فرهنگ اسپانیا»[۵] از معدود تحقیقات و پژوهش‌های داخلی در این زمینه است که در آن نقش متون الخامیادو در انتقال میراث فرهنگی مسلمانان به غرب مورد مداقه قرار گرفته است؛ هرچند در این اثر نیز جای مراجعه به منابع اصیل به زبان اسپانیایی و متون الخامیادو خالی است.

---

۱ Eduardo Saavedra Moragas (1889), "Índice General de la Literatura Aljamiada", *Memorias de la Real Academia Española*, vol.6, pp.140-328.

۲ Francisco Guillén Robles (1889), *Catálogo de los Manuscritos Árabes Existentes en la Biblioteca Nacional de Madrid*, Madrid: Manuel Tello.

۳ Á. G. D. Fuentes (1998), *Los Manuscritos Aljamiado-Moriscos de la Biblioteca de la Real Academia de la Historia: (Legado Pascual de Gayangos)*, Real Academia de la Historia.

۴ Julián Ribera y Miguel Asín (1912), *Manuscritos Árabes y Aljamiados de la Biblioteca de la Junta*, Madrid: Maestre.

۵ عبدالله همتی گلیان (بهار ۱۳۸۳)، «مدجّنان و موریسکوها در فرهنگ اسپانیا»، مجلهٔ *مطالعات اسلامی*، ش۶۳، صص۱۸۷-۲۱۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از رویکرد توصیفی- تحلیلی و با ردگیری نسخ خطی بر جای مانده و منابع و مآخذ موجود کتابخانه‌ای، سیر تطور و فراز و فرود این ادبیات خاص را از آغاز تا انجام، از نظر زبانی، آماری و محتوایی با نگاه بر جامعهٔ مخاطب، در دورهٔ پس از استرداد مسیحی تا اخراج کامل مسلمانان از اسپانیا مورد بررسی قرار دهد. در این مقاله دیدگاه جدیدی از ریشه‌شناسی واژهٔ الخامیادو ارائه شده و نشان داده شده است که این متون اسلامی توسط مدجّن‌ها ابداع شدند، اما کاربرد آنها در موضوعات مختلف در دوره موریسکی، پیش از اخراج، به اوج رسید.

الخامیادو (الجامیادو)[۱]

الخامیادو آن دسته از نوشته‌هایی است که به یکی از زبان‌های رومنس[۲] از جمله کاستیلی و با استفاده از حروف زبان عربی نگاشته شده و به عنوان میراثی از دوره مدجّن‌ها، طغرین‌ها و موریسک‌ها بر جای مانده است. بیشتر این دست‌نوشته‌ها که نوعی ادبیات خاص زیرزمینی است، به‌جز تعداد معدودی که در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی به دست آمدند، خصوصیات مبهم و رازآلود خود را به خوبی حفظ کردند؛ تا اینکه از حدود قرن نوزدهم میلادی در مناطق مختلف اسپانیا و حتی خارج از آن به‌تدریج کشف شدند و تقریباً از همان زمان به همت دانشمندان و فهرست‌نویسانی چون پاسکوال د گایانگوس،[۳] ادواردو سابدرا،[۴] فرانسیسکو گیلن روبلز،[۵] پابلو خیل،[۶] خولیان ریبرا و میگل آسین پالاسیو،[۱] مننـدز پیدال،[۲] گالمس د

---

۱ در زبان اسپانیایی حرف «J» انگلیسی به صورت «خ» تلفظ می‌شود. بنابراین واژه‌هایی از عربی که شامل حرف «ج» بوده‌اند، در آوانگاری به اسپانیایی با همان حرف «J» یا اصطلاحاً «Jota» (خوتا) نگاشته می‌شود، اما هنگام خواندن «خ» تلفظ می‌شود. از این رو، الجامیادو در اسپانیایی الخامیادو خوانده می‌شود و با همین نام نیز شهره شده است.

۲ زبان‌های رومنس/ رومانی براساس تعریف *دائرةالمعارف بریتانیکا* (*Encyclopedia Britannica*,"romance")، گروهی از زبان‌های مرتبط‌اند که همگی از لاتین ولگاری در دوران تاریخی آن مشتق شده‌اند و زیرگروهی از شاخهٔ ایتالیایی خانواده زبان‌های هندواروپایی را تشکیل می‌دهند. زبان‌های اصلی این خانواده شامل فرانسوی، ایتالیایی، اسپانیایی، پرتغالی و رومانیایی است.

۳ Pascual de Gayangos

۴ Eduardo Saavedra

۵ Francisco Guillén Robles

۶ Pablo Gil

فوئنتس[۳] و غیره کم‌کم رازهای پنهان و خاص مربوط به آنها مورد بررسی و پژوهش قرارگرفته است (Castilla, 2019: 112)

شکل شمارهٔ ۱. نمونه‌ای از یک متن الخامیادو. برگرفته از نسخه Ms. 5354؛[۴] محل نگهداری: کتابخانه کاستیلیا لَمانچا در طلیطله. عکس: از نویسنده

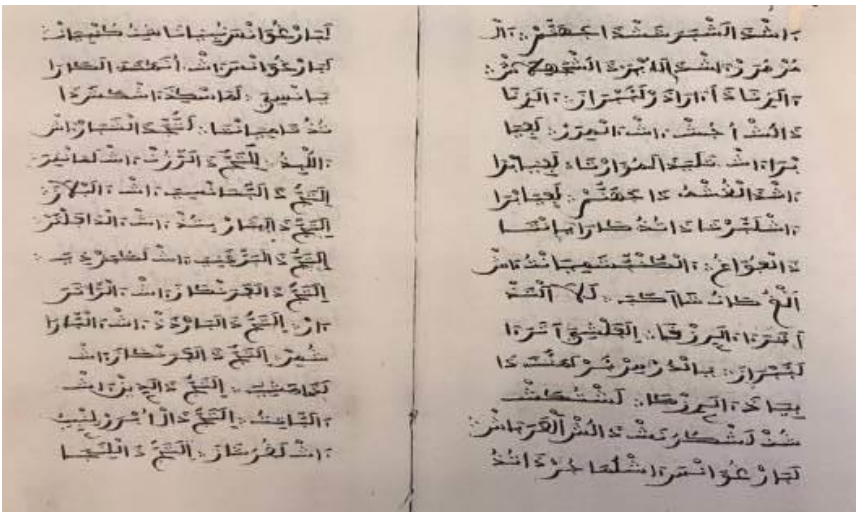

در تمامی این متون باقیمانده به زبان الخامیادو، با نوعی سیستم نوشتاری با قرارداد یکسان مواجه‌ایم که طی سه قرن از زمان تولید و گسترش، یعنی حداقل از قرن چهاردهم تا هفدهم، به صورت منسجم سبک خود را حفظ کرده‌اند (Castilla,2019: 111).

جدول شمارهٔ ۱. الفبای الخامیادو

z = ز	r = ر	d = ذ	d = د	ch=خ	h = ح	ch= ج	t = ث	t =ت	b = ب	h = ا
q =ک	q= ق	f = ف	gue=غ	h = ع	d = ظ	t = ط	d=ض	ç/s = ص	s/x=ش	Ş/s=س
a=	e = ا	i =	o =	u =	y=ی	güe=و	h = ه	n = ن	m = م	l =ل

۱ Julián Ribera y Miguel Asín Palacio
۲ Menéndez Pidal
۳ Galmés de Fuentes
۴ Biblioteca de Castilla- la Mancha en Toledo

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

برای نمونه، نحوه کاربرد الفبای الخامیادو:

ذَاتُذُ= de todo　　الجهاد= alchihed

مَانشَجَارُ= mensajero　　عَسَار= hacer

اینکه آیا الخامیادو تنها یک زبان نوشتاری بوده و یا کاربرد گفتاری و محاوره‌ای هم داشته (با توجه به برخی شواهد مکتوب به دست آمده)،[1] به سبب دشواری پژوهش در این باره، در ابهام باقی مانده است. به هر روی، در این مقاله بر کاربرد نوشتاری زبان الخامیادو تأکید شده است.

واژه‌شناسی الخامیادو

قریب به اتفاق پژوهشگران غربی و نیز عرب‌زبان، واژهٔ الخامیادو را تحریف واژهٔ «الاعجمیه» به معنای «زبان غیرعربی» دانسته‌اند و این‌گونه استدلال کرده‌اند: «بدان سبب که عین در زبان لاتین وجود ندارد و همین‌طور همزهٔ وسط؛ پس به‌ناچار الاعجمیه را الجمی گویند و الجمی را به سکون لام می‌گویند. اسپانیایی‌ها جیم را خاء به زبان غلیظ تلفظ می‌کنند، سپس به آن علامت نسبت را اضافه کردند و آن الخامیادو شد و این‌گونه رواج یافته است» (بوکیل، ۱۴۳۸: ۱۰۱ ;Chejne, 1983: 37; Lévi-Provençal and Harvey, 1960: "Aljamía"). با این همه، با احتجاج به دلایل زیر به نظر می‌رسد واژهٔ الخامیادو/ الجامیادو (Aljamiado) صفت نسبی مأخوذ از واژهٔ «Aljama» یا «Aljamia» (الجامعه) است:

الف. کاربرد معنایی و شباهت واژگانی

در نخستین نسخهٔ دیکشنری *آکادمی رئال اسپانیا*[2] که در بازهٔ زمانی ۱۷۲۶-۱۷۳۹م.

---

۱ برای نمونه، در کتاب *Tirant lo Blanc* که الهام‌بخش سروانتس در خلق دن کیشوت بوده و در سال ۱۴۹۰م. توسط خوانُت مارتورِل (Joanot Martorell) نگاشته شده، آمده است:

"Por mi fe, señor, en compañía de aquellas moras viene una donzella muy graciosa que habla muy bien el aljamía y con mucha gracia, y si vuestra señoría me quisiese hazer tanta merced que, aunque yo no lo tenga servido, que como toméys la ciudad la hagáys hazer cristiana y me la deys por muger."

«قربان، من ایمان دارم که به همراه آن بانوان مور (مسلمان)، یک دوشیزه بسیار جذاب می‌آید که به الخامیا بسیار خوب و با ظرافت سخن می‌گوید و اگر اعلیحضرت بخواهد چنان لطفی به من بنماید، هرچند شایسته آن نباشم. وقتی که شهر را گرفتید او را به مسیحیت درآورده و به همسریم درآوری» (ر.ک. به: Martorell, 1974: IV/172).

۲ *Real Academia Española* (RAE).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

به چاپ رسیده، در توصیف واژه Aljama (الخاما/ الجاما) چنین آورده شده است: «جامعه مسلمانان؛ محله مسلمانان و مسجد در قرون وسطی [مسجد جامع]»[۱] (RAE, "Aljama")؛ همچنین واژۀ Aljamia (الخامیا/ الجامیا) را زبان ساکنان مسلمان در همان دوره (RAE, "Aljamía") و نیز Aljamiado (الخامیادو/ الجامیادو) را به زبان الخامیا سخن گفتن یا نوشته به زبان الخامیا (RAE, "Aljamiado/da") برشمرده است. به این ترتیب، همان‌طور که پیداست از نظر معنای لغوی ارتباط تنگاتنگی میان واژه‌های «الخاما»، «الخامیا» و «الخامیادو» وجود دارد. نه تنها از لحاظ معنا، بلکه به لحاظ ظاهر واژه‌ها نیز - همان‌گونه که در زیر نشان داده شده- اشتقاق واژۀ «الخامیادو» از واژۀ «الخامیا» و بالطبع «الخاما» را می‌توان متصور بود.

Aljama---------->Aljamia------>Aljamiado

متون الخامیادو<--زبان الخامیا<--الخاما (نهاد الجامعه)

الف. برخاستن الخامیادو از دل نهاد الجامعه

بنا بر تتبعات، به نظر می‌رسد که نهاد الخاما یا همان الجاما (الجامعه) در میان مدجّن‌های آراگون شکل گرفته باشد (ر.ک. به: Ms. Res. 245; Ms J-89; Cervera[۲], 1989: 366). هدف از تشکیل این شورا یا نهاد این بود که با ایجاد همبستگی سازمانی در میان افراد مسلمان در اقلیت و تحت انقیاد باقیمانده، امید به فتح مجدد، تلاش برای بازپس‌گیری سرزمین‌های از دست رفته و در نهایت، خروج از وضع موجود را رقم بزنند. براساس پژوهش‌های به عمل آمده، نخستین متون الخامیادوی نگارش یافته از میان همین نهاد الجامعه در آراگون برخاسته است (ن.ک. به: ادامه مقاله).

ب. اهداف تولید متون الخامیادو

هرچند مدجّن‌ها هنوز در جامعه به عنوان مسلمان شناخته می‌شدند و با وجود پذیرش برتری سیاسی- اجتماعی مسیحیان، بنیان‌های مسلمانی خود را حفظ

۱ همین واژه (الجامیا/ الخامیا) به عنوان جامعه، محله و کنیسه یهودیان در همان دوران هم به کار می‌رفته است.

۲ Cervera Fras, M. J. (1989), "Mudéjares y moriscos en la sociedad aragonesa", *Historia de Aragón (Economía y sociedad)*, Vol. 2, pp. 363-370.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

می‌کردند، اما همان‌طور که پیشتر گفته شد، مدجّن‌های مناطق مرزی تقریباً زبان اصلی خود را به فراموشی سپرده بودند و به زبان بومیان منطقه صحبت می‌کردند (Fertin, 2016: 18).

از آنجا که یکی از نشانه‌های پویایی و حیات یک جامعه، داشتن زبان مشترک و خاص آن جامعه است، به نظر می‌رسد از جمله عواملی که سبب شد الخامیادو پدید آید، این بود که این زبان برای آن دسته از مسلمانانی که زبان اصلی و مذهبی خود را فراموش کرده بودند، به عنوان رابطی میان زبان عربی و اسپانیایی عمل می‌کرد (Bejarano, 2015: 19). از سوی دیگر، ابداع و به کارگیری زبان الخامیادو به عنوان زبان ویژهٔ یک جامعهٔ هرچند کوچک و در اقلیت، نشان دهنده انسجام‌خواهی و تمایزطلبی افراد آن اقلیت است. با این وصف، از میان نخبگان نهاد الجامعه بود که سبک نوشتاری خاص برای فعالیت‌های مرتبط با نهاد (مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و نیز سیاسی) با نام الخامیادو (جامعه‌ای) شکل گرفت، رشد و توسعه پیدا کرد و بعدها توسط موریسک‌ها نیز به کار گرفته شد (Rueter,2016: 694).

ج. عدم تناسب اهداف تولید متون با بار تحقیرآمیز واژهٔ الاعجمیه

همان‌گونه که «اولیور فرتین»[۱] متخصص جامعه‌شناسی زبان و مطالعات اسپانیایی[۲] اشاره کرده، پدیده الخامیادو ثمرهٔ یک جامعه است. آن هم ثمرهٔ اقلیت تحصیل‌کردهٔ درون آن جامعه که متن‌هایی را نه از روی علاقه به هنر، بلکه با هدفی دقیق که بر فرایندهای تولید آن اثر می‌گذارد، تولید کرده است (Fertin, 2016: 12, 26). از این رو، با توجه به اهداف تولید متون الخامیادو که پیشتر گفته شد، به نظر نمی‌رسد نخبگان مودخار واژهٔ عجم و اعجمیه را که همواره در میان مسلمانان نوعی بار تحقیرآمیز داشته، برای توصیف تولیدات هدفمند و البته استقلال‌طلبانهٔ خود به کار برده باشند!

د. کاربرد واژهٔ الخامیادو توسط خود مدجّن‌ها و موریسک‌ها

در زیر به چند نمونه استفاده از واژهٔ الخامیا و الخامیادو در متون بر جای مانده از

---

۱ Olivier Fertin.

۲ Hispanic Studies.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

دوران مورد بحث، یعنی دوران مدجّنی و موریسکی اشاره می‌شود کـه نشـان دهنـدهٔ این است که این واژه‌ها از همان دورهٔ تولید کاربرد داشته‌اند:

گویا نخستین بار این واژه در معنـای خـاص خـود در قسـمت سـیدیان[۱] از *تـاریخ اسپانیا*[۲] به کار رفته است (Fertin, 2016: 2). نیـز در بیـت شـماره ۱۲۹۳ از شـعر آلفونسو اونسنو[۳] که در اواسط قرن چهارده سروده شده آمده:

«اسلحه‌داران گفتند:
آیا عربیا/ عربیه [عربی] را خوب می‌دانید؟
اگر اطمینان دارید خوب می‌دانید،
آن را به الخامیا برگردانید»

"Dixieron los escuderos:
Sabedes bien la arauía[۴]?
Sodes bien uerdaderos
De tornarla en aljamía." [۵]

یا در نسخه کشف شدهٔ دیگری مربوط به قرن شانزدهم به شـماره کـد (Ms. 5252) که در کتابخانه ملی اسپانیا در مادرید نگهداری می‌شود، آمده است:

"Muchos amigos míos de mí trabaron y especialmente me rogaron que de arabí sacase en el aljamí [...]"

«بسیاری از دوستانم ملتمسانه و با اصرار از من خواسته‌اند کـه [آن را] از عربـی به الخامی برگردانم [...]»

---

۱ Cidiana

۲ *Estoria de España* کتاب *تاریخ اسپانیا* به ابتکار و فرمـان آلفونسـو دهـم (متوفـای ۱۲۸۴م) و توسـط شـماری از مورخان در قرن سیزدهم میلادی نوشته شده و اولین تاریخ عمومی اسپانیا به زبان اسپانیولی کهن است کـه پـس از سلطهٔ مسلمانان به نگارش درآمد. کتاب بارها تصحیح و چاپ شده که یکی از مشهور ترین آنها چـاپ رامـون منـدز پیدال (Ramón Menéndez Pidal) و دیگری تصحیح و چاپ دیگو کاتالان (Diego Catalan) است.

۳ El Poema de Alfonso Onceno

۴ در برخی متون کهن اسـپانیایی حـرف «v» (یـا همـان صـدای «ب» در زبـان اسـپانیولی) را بـا حـرف «u» نشـان می‌داده‌اند.

۵ این شعر به زبان کاستیلی باستانی(دوره قرون وسطی) است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

و یا در برگه شماره ۲۱۸ از متن دیگری که در قرن شانزدهم نگارش شده (Ms. B (Est. p. tab. V, nº2), ff[۱]: 218)

"Aqui comiença dichos sacados de arábigo en aljamía"

«در اینجا سخنانی آغاز می‌شود که از عربی به الخامیا برگردانده شده است».

از متون دیگری که واژهٔ الخامیادو با معنای اصلی خود در آن به کار رفته، کتاب مشهور *دن کیشوت*[۲] اثر سروانتس[۳] است:

"[...] con carácteres que conocí ser arábigos y puesto que aunque los conocía no los sabía leer, anduve mirando si parecía por allí algún morisco aljamiado que los leyese [...]" (Cervantes, vol.1, Capítulo IX).

«[...] دیدم که خط آن عربی است و چون من خط عربی را با آنکه تشخیص داده بودم نمی‌توانستم بخوانم به هر سو نظر انداختم تا شاید موریسکوی الخامیادو که بتواند آن خط را برای من بخواند ببینم [...]».

به هر روی، برخی شواهد ارائه شده از متون بر جای مانده در دورهٔ مورد بررسی که به صورت مشخص واژهٔ «الخامیا» یا «الخامیادو» را در خود داشته‌اند، به خوبی می‌تواند نشانگر این موضوع باشد که نه تنها پدیدهٔ الخامیادونگاری و به کارگیری زبان الخامیا -یعنی شگرد زبانی ابداعی نخبگان جامعه مودخار که با هدف حفظ و احیای زبان مذهبی و نیز اعلام استقلال‌طلبی و انسجام‌خواهی پدید آمد- هم در میان استفاده کنندگان و مخاطبان این سیستم و هم در میان اجتماعات ناهمگون آن عصر (مسیحیان) مورد شناخت و البته پذیرش قرار گرفته بود، بلکه خود واژهٔ «الخامیادو» نیز توسط مبدعان این زبان و همزمان با تولید آن به وجود آمده بود و به کار گرفته می‌شد، نه سال‌ها بعد از آن و توسط محققان متون الخامیادو.

هرچند در برخی متون به دست آمده، تحریفی از لغت Aljami (الخمی) به صورت Ajami (اخمی/ اجمی)، یعنی حذف حرف «l» به چشم می‌خورد که از نظر

۱ مخفف folio؛ در اسپانیایی به معنای برگه.

۲ Don Quijote

۳ Cervantes

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

ظاهر لغوی با واژهٔ «عجمی» مطابقت بیشتری دارد؛ همان‌گونه که در نوشتهٔ بر جای مانده از موریسکی در قرن شانزده چنین آمده است (MS. 1. 880):

"Sacada de arabí en ajamí":

«برگرفته از عربی در اخمی/ عجمی [الخامی!] »

دست‌نوشتهٔ حاوی این عبارت در سال ۱۵۶۹م. و به زبان الخامیادو نسخ شده و در کتابخانه «سن لورنزوی اسکوریال»[۱] نگهداری می‌شود. به نظر می‌رسد چنین تحریفاتی سبب شده است تا نظریهٔ «اشتقاق لغت الخامیادو از الاعجمیه» شکل گیرد.

هـ آوانگاری در نگارش الخامیادو

این نکته را که نگارش الخامیادو درواقع آوانگاری[۲] با حروف عربی از زبان کاستیلی است، نباید از نظر دور داشت؛ زیرا در الفبای کاربردی نگارش متون الخامیادو، برای هر صامت و مصوت موجود در زبان عربی، حرف یا علامتی اختصاص داده شده است و همان‌طور که در شواهد متون الخامیادو -که پیشتر آمد- شاهد آن بوده‌ایم، واژهٔ «عربی» که شامل حرف «ع» است، به صورت «arabí» یا واژه‌های مشابه آن مانند «arabigo» به کار می‌رفته است. کاربرد «عین» در برخی از واژه‌های دیگر هم به چشم می‌خورد؛ مانند واژهٔ «تفریع» که الخامیای آن را به صورت «tafría»[۳] می‌نگاشتند و درواقع، صدای عین را با حرف «a» آوانگاری می‌کرده‌اند (Ms. 4870). نمونهٔ دیگری از این دست آوانگاری‌ها را می‌توان در واژه الصّلاه (aççala) مشاهده کرد که به‌طور دقیق از عربی به الخامیادو آوانگاری شده است. درواقع، این شیوه از انتقال صامت‌ها و مصوت‌ها به‌ویژه برای آن دسته از مسلمانان تک‌زبانه و ناآشنا با زبان عربی که قصد داشتند عبارات قرآنی را به صورت صحیح و با حفظ شاخصه‌های نحو عربی تلفظ کنند، ضروری به نظر می‌رسید. به هر روی، با توجه به شواهد ارائه شده، به نظر می‌رسد این فرضیه که چون در لاتین «عین» و «همزه» وجود نداشته، پس

---

۱ San Lorenzo de el Escorial

۲ Transliteration

۳ «Alquiteb de la tafría» اشاره به کتاب *التفریع فی فقه الإمام مالک بن أنس* اثر جلّاب بصری دارد که در میان موریسک‌ها رواج داشته و ترجمه‌ها و حاشیه‌نویسی‌هایی به زبان الخامیادو از آن به دست آمده است (برای نمونه ن.ک. به: کد Ms. 4870 که در کتابخانه ملی اسپانیا در مادرید نگهداری می‌شود).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

به‌ناچار از واژه «الاعجمیه» حذف و تبدیل بـه «الجمیـه» شـده، محـل تنـاقض باشـد و بالمآل با توجه به دلایلی که پیشتر آمد، چنین می‌نماید که این فرضـیه کـه «الخامیـادو از الجامعه» گرفته شده، نیز قابل طرح بوده و حتی بررسی‌های بیشتر ما را به سمت این نظر نیز سوق می‌دهد. از این رو، واژهٔ الخامیادو که تاکنون گفته می‌شـده از الاعجمیـه گرفته شده، نیز در جای خود نیازمند بررسی و پیگیری بیشتر به نظر می‌رسد.

سیر تطور الخامیادو

تاکنون بیش از ۳۲۰ نسخه از متون الخامیادو به صورت کتـاب، مجموعـه برگـه‌هایی بـا محتوای تفکیک شده و نیز تک‌برگ‌هـای مجـزا[۱] از منـاطق مختلـف اسـپانیا و گـاهی خارج از آن به دست آمده است.[۲] از شهرهای منطقهٔ آراگون و کاستیل که در آنهـا نسـخ الخامیادو یافت شده است، می‌توان به شـهرهای لـس بگـاس،[۳] خـالون،[۴] وربـا،[۵] آرانـدا،[۶] کیلس[۷] و نیز آیتونا[۸] (در حال حاضر استان لریدا)[۹] اشاره کرد (Bejarano, 2015: 35).

بیشترین شمار نسخ کشفی مربوط بـه سـال ۱۸۸۴م. و زیـرزمین خانـه‌ای در دهکـده المونـاسید[۱۰] در منطقه آراگون است که هنگام تخریب، نسخ الخامیـادو و نیـز ابـزار نسخ و چاپ از آن به دست آمده است (Castilla, 2019: 89). در این مکان حـدود ۱۴۰ نسخه یافت شد که بخشی از آنهـا کـاملاً از بـین رفتـه بـود. حـدود ۸۵ مـورد باقیماندهٔ این نسخ در کتابخانه توماس و ناواره[۱۱] با نام خونتـا[۱۲] (هیئـت) جمـع‌آوری شده است. نام و احتوای این نسخ با حمایت «هیئت گسـترش مطالعـات و تحقیقـات

---

۱ Folios

۲ نظیر الجزایر، تونس، مغرب اقصی، ترکیه و غیره.

۳ Las Vegas

۴ Jalón

۵ Huerva

۶ Aranda

۷ Queiles

۸ Aytona

۹ Lérida

۱۰ Almonacid

۱۱ Tomás y Navarra.

۱۲ De la Junta

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

علمی»[۱] و با کوشش خولیان ریبرا و آسین میگل[۲] فهرست شده و در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است. رتبهٔ دوم پرشمارترین نسخ کشفی در کتابخانه ملی اسپانیا در مادرید[۳] نگهداری می‌شوند که «ادواردو سابدرا موراگاس»[۴] و «گیلن روبلز»[۵] فهرست و محتوای آنها را جمع‌آوری و تعداد آنها را حدود ۱۳۵ نسخه برآورد کرده‌اند (Rodríguez, 1989: 1422-1427). کتابخانهٔ آکادمی سلطنتی تاریخ در مادرید، در رتبهٔ بعدی حدود ۵۵ مورد نسخهٔ خطی را در خود جای داده که توسط سابدرا[۶] و «گالمس د فوئنتس»[۷] فهرست شده است. سایر متون به دست آمده به صورت جمعی یا پراکنده در کتابخانه‌های مختلف اسپانیا و خارج از اسپانیا، مانند پاریس و الجزایر و غیره نگهداری می‌شوند (برای اطلاع از کد نسخه‌ها و کتابخانه‌های محل نگهداری آنها، ر.ک. به: Barletta y Bejarano, 2011).

برخی از متون، تاریخ کتابت یا نسخ را در خود دارند. برخی دیگر برای تعیین سن دقیق نیاز به بررسی متن و ارجاعات احتمالی دارند و برخی نیازمند بررسی دقیق‌تر باستان‌شناسی از قبیل تحلیل خصوصیات زبانی، نوع و جنس کاغذ، قلم و غیره می‌باشند که به تاریخ‌گذاری آن کمک شود و یا ترکیبی از اینها. برای نمونه، یکی از متون الخامیادوی کشف شده که در کتابخانه آکادمی سلطنتی تاریخ در مادرید نگهداری می‌شود، تفسیری از قرآن است با عنوان *گنجی از یاقوت*[۸] که ناسخ، تاریخ نسخ آن را – از روی کتاب اصلی متعلق به محمدبن محمدبن محمد المرابطی– سال ۱۱۹۸م/۵۹۴ق. ذکر کرده است (Ms. 4886). بنابراین تاریخ نگارش آن را باید اوایل قرن دوازده برشمرد. درواقع، اگر این اسناد به تنهایی در نظر گرفته شود، آغاز تولید متون الخامیادو را می‌توان تا ابتدای قرن دوازدهم و حتی زودتر از آن به عقب

۱ Junta para la Ampliación de Estudios e Investigaciones Científicas.

2 Julián Ribera y Miguel Asín (1912).

۳ Madrid, Biblioteca Nacional De España.

۴ Saavedra Moragas (1889), 140-328; Ibid (1878), *Discursos Leídos Ante la Real Academia Española en la Recepción Pública del Excmo. Señor Eduardo Saavedra el 29 de Diciembre de 1878*, La Compañia de Impresores y Libreros, PP.104-138.

۵ Francisco Guillén Robles (1889).

۶ Saavedra Moragas (1878), PP.153-179.

۷ Alvaro Galmés de Fuentes.

۸ Tesoro de Jacintos.

برد؛[۱] هرچند بررسی‌های باستان‌شناسانه از نوع کاغذ به کار رفته، قلم و سایر عوامل مؤثر در تعیین سن منابع، تولید آن را بسیار متأخرتر از این تاریخ، یعنی قرن شانزدهم تخمین می‌زند (Barletta y Bejarano, 2011: "Ms. 4886").

درواقع، با توجه به برآورد شواهد به دست آمده از سایر متون کشف شده، اطمینان بیشتری برای شروع تولید متون الخامیادو از قرن چهاردهم و در منطقهٔ آراگون وجود دارد؛ یعنی در زمان و مکانی که نه تنها تولید و نگهداری متون خاص مانند الخامیادو جرم به حساب نمی‌آمده، بلکه برای نگهداری متون به زبان عربی نیز مانعی وجود نداشته است. البته در همین دوره نیز با سندی به زبان الخامیادو مواجه هستیم که ترجمه‌ای از حکم تفتیش عقاید یوسه[۲] از فقهای مودخار اهل مولیناست که به موعظه و تشویق مسیحیان برای تغییر دین مشغول بوده است. گویا دادگاه یک نسخهٔ رسمی از حکم وی را به خود متهم و یا به مقامات الخامای (الجامعه) مولینا ارائه کرده بود (برای مطالعه بیشتر درباره این حکم ر.ک. به: Labarta y Arenal, 1981: 131- 142).

به هر روی، تولید متون در مرحلهٔ اولیه عمدتاً در آراگون و کاستیل و بعدتر تا جایی که ردگیری شده، در الجزایر، تونس و در سرزمین‌های عثمانی، در سالونیک[۳] و قسطنطنیه، در دوره موریسکوها و حتی پس از اخراج صورت می‌گرفته است (Epalza, 1992: 289, 339; Bernabé Pons, 2010: 27; Fertin, 2016: 14).

نکتهٔ جالب توجه دیگری که از بررسی متون مکشوفه برمی‌آید این است که ردّ پای کاربرد واژه‌های آراگونی و کاستیلی در غالب نوشته‌های الخامیادو مورد استفادهٔ

---

۱ به نظر می‌رسد علاوه بر مودخارهای اسپانیا، دیگرانی نیز با اهدافی کم‌وبیش مشابه، شیوهٔ تألیف زبان رومی با الفبای عربی را به کار می‌بستند. از آن جمله نومسلمانان تحت تسلط سلاجقهٔ آناتولی (حک: ۱۰۷۷- ۱۳۰۷م) را می‌توان برشمرد که از این شیوه به‌خصوص به منظور آشنایی با کتابت عربی و بالمآل کسب توانایی قرائت قرآن بهره می‌گرفتند. همچنین یهودیان هم‌عصر مودخارها پیش از اخراج، زبان عبری را با حروف عربی می‌نگاشتند که آنها هم الخامیادو نامیده می‌شدند. صرب و کروات‌های تحت تسلط عثمانیان نیز متونی را با نام الیامیادو/ الحامیادو تولید می‌کردند که گویا اشتقاقی از همین واژهٔ الخامیادو بوده است (ن.ک. به: متقی، ۱۳۹۵ش: ۳۴۷، ۳۴۹). به هر روی، به نظر می‌رسد این متون تولید شده که عناوینی مشابه واژه الخامیادو نیز دارند، پس از متون مودخاری مورد بحث در این مقاله تولید شده‌اند. به عبارتی پیش‌قراولان تولید متون زبان رومنس با حروف عربی، همان مودخارهای آراگونی بوده‌اند. هر چند این مساله در جای خود نیازمند پژوهش دیگری است.

۲ Yuce de la Vasía.

۳ Thessaloniki: شهری در یونان.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

موریسک‌ها نیز دیده می‌شود (Labarta y Arenal, 1981: 231; Rodríguez, 1989: 1434; Castilla, 2019: 118-119)؛ به‌طوری که «گالمس فوئنتس» زبان‌شناس زبان‌های رومنس، عربی و الخامیادو، وجود سه عنصر را در همهٔ متون الخامیادو مشترک عنوان کرده است: «آراگونیسمی، باستان‌گرایی و زبان عربی»؛ که این سه مشخصهٔ مشترک در متون الخامیادو، به احترام تحقیقات وی به «مثلث گالمسیا» شهرت یافته است (ن.ک. به: Fertin, 2016: 2). بنابراین نقش آراگون در تولید متون الخامیادو در تمام دوران مورد بررسی از قرن چهاردهم تا هفدهم غیرقابل چشم‌پوشی است. درواقع، نه تنها آراگون همان‌طور که رودریگز به نقل از اپالزا اشاره کرده: «سرزمینی با بیشترین تولید متون الخامیادو به دلیل موقعیت اجتماعی زبانی منحصر به فردش در آغاز قرن شانزدهم» است، بلکه در میانه و انتهای آن قرن نیز قرار دارد (Rodríguez, 1989: 1438). البته همان‌گونه که پیشتر آمد، به‌رغم نظر اپالزا، تاریخ آغاز تولید متون الخامیادو را به‌طورقطع می‌توان تا قرن چهارده به عقب برد[۱] و نیز تاریخ پایان آن را حداقل پایان قرن هفدهم دانست.[۲]

برخی از پژوهشگران تلاش‌های «عیسی د. سگویا» نخستین مترجم قرآن به زبان لاتین و نویسنده کتاب *خلاصه سنت*[۳] را از عوامل مؤثر و الگوساز برای علمای مدجّن دغدغه‌مند در تولید متون الخامیادو و پیوندسازی میان زبان بومی آراگونی- کاستیلی با عربی برشمرده‌اند (Epalza 1991: 52). درواقع، خوان سگوویایی با کمک مدجّنی آراگونی و مسلط به زبان عربی به نام عیسی‌بن جابر، ترجمه‌ای لاتین از قرآن کریم را به دست دادند که نه تنها در حفظ فرهنگ نوشتاری الخامیادو و اسلام مخفیانهٔ موریسک‌ها در آینده مؤثر افتاد، بلکه همان‌طور که بیرقی و احمدوند (۱۳۹۴: ۱۱۵) به خوبی اشاره کرده‌اند، «در شناخت غربیان از قرآن کریم و آموزه‌های دین اسلام نیز بی‌تأثیر نبوده است». برخی پژوهشگران بر این عقیده‌اند که دو ترجمه از قرآن در سال ۱۶۰۶، یکی به زبان اسپانیایی -که در کتابخانه پرونسال تولدو[۴] نگهداری می‌شود- و دیگری به زبان الخامیادو، از روی ترجمه عیسی و خوان سگوویایی صورت

۱ نسخه‌های Ms J-68, Ms J-70, Ms J-71, Ms J-97 (محل نگهداری: کتابخانه توماس و ناوار).

۲ برای نمونه، نسخه Ms. 232 از کتابخانه کاستییا لَمانچا؛ نیز نسخه Ms. 11/9394, Olim S-2 از کتابخانه آکادمی سلطنتی تاریخ در مادرید.

۳ Breviario Çunní

۴ Bibloteca Publica Provencial

گرفته است (López-Morillas,1999: 280- 282). نقش عیسی به عنوان شتاب دهندهٔ این روند در جای خود محفوظ است، اما همان‌طور که پیشتر گفته شد، این موقعیت جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی منطقه آراگون و کاستیل بوده که در نهایت این ضرورت را تأکید کرده است. درواقع، انحطاط فرهنگی، مذهبی و زبانی و فشارهای محیطی بود که به ترکیب همهٔ این متون منجر شد و دانش رو به نقصان زبان اسلام هم یکی از مظاهر این زوال –هرچند اساسی– بود (Rueter, 2016: 684).

از سوی دیگر، نتایج پژوهش‌های فهرست‌نویسان و محققان در سال‌های اخیر و داده‌های دسته‌بندی شدهٔ ارائه شده توسط آنها نشانگر آن است که هرچند متون از قرن چهارده و توسط مدجّن‌ها به وجود آمدند، اما گسترهٔ استفاده از متون الخامیادو در میان موریسک‌ها بیشتر از مدجّن‌ها و طغرین‌ها بوده است؛ یعنی همزمان با اجرای سراسری فرمان تغییر دین در اسپانیا؛ دقیقاً مطابق با نظری که کونتزی[۱] در اوایل سال ۱۹۷۰ ارائه کرده بود مبنی بر اینکه: «با قاطعیت می‌توان گفت اکثر نسخه‌های خطی الخامیادو در نیمه دوم قرن شانزده نوشته شده‌اند» (Kontzi ,1970: 199).

دو نمودار زیر شمار نسخ خطی کشف شده و تعیین تاریخ شده را طی قرون چهارده تا هفده میلادی، از زمان قطعی شروع تولید متون الخامیادو تا بعد از اخراج موریسک‌ها از اسپانیا نشان می‌دهد. داده‌های این دو نمودار براساس پژوهش آماری مفصلی که رودریگرز[۲] و وینسنت بارلتا[۳] و باربارا بخارانو[۴] روی متون الخامیادوی به دست آمده انجام داده‌اند، استخراج شده است (Rodríguez, 1989: 1421-1431, 1438; Barletta y Bejarano, 2011).

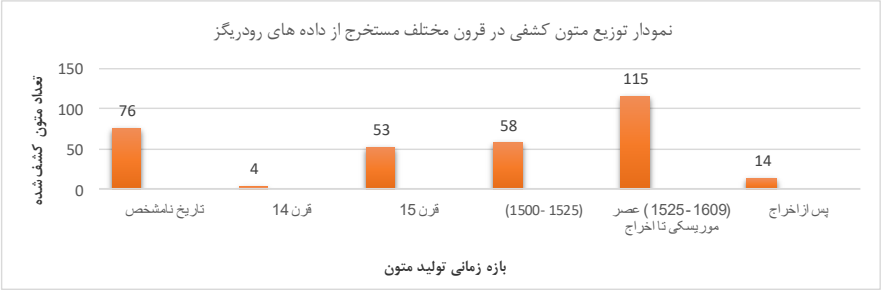

۱ Kontzi
۲ Rodríguez
۳ Vincent Barleta
۴ Barbara Bejarano

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

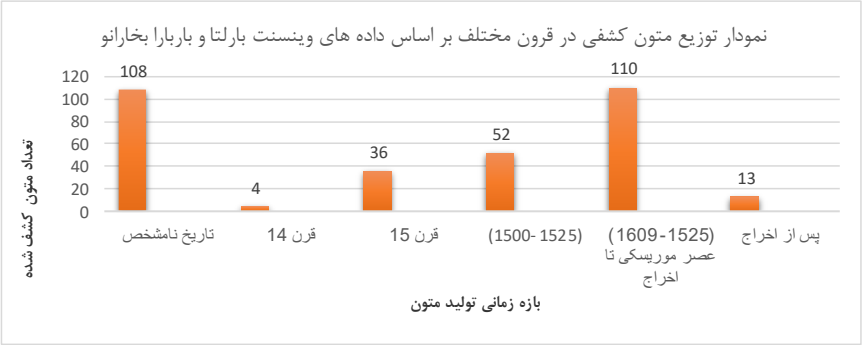

همان‌طور که از نمودارهای بالا برمی‌آید (بدون در نظر گرفتن متون الخامیادویی که با هیچ یک از روش‌های منبع‌شناسی سن آنها تخمین زده نشده و در نمودارها با «تاریخ نامشخص» نشان داده شده که البته تعداد آنها قابل توجه نیز است)، شمار متون تولیدی در سه ربع پایانی قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم (۱۵۲۵–۱۶۰۹)، یعنی تقریباً پس از اجرای فرمان تغییر مذهب در سراسر اسپانیا و پیش از اخراج کامل مسلمانان (دورهٔ موریسکی)، رشد قابل توجهی داشته است. به نظر می‌رسد شرایط سخت اجتماعی و مذهبی موریسک‌ها، گرایش بیشتر به استفاده از این شیوهٔ نگارش را در پی داشته است؛ یعنی تولیدی که کم‌وبیش سیستماتیک و قراردادی از اواسط قرن چهاردهم آغاز شد، در اواسط قرن شانزدهم به اوج خود رسید و پس از اخراج به یکباره کاهش چشمگیری یافته است.

نکتهٔ قابل توجه دیگر این است که برخی متون از قرن هفدهم، پیش از اخراج به دست آمده‌اند که به جای استفاده از حروف عربی، از حروف لاتین برای نگارش آنها استفاده شده است. برای نمونه، می‌توان به نسخ خطی (MS. 232) که در سال ۱۶۰۷ و در بحبوحهٔ اخراج قطعی نگاشته شده و در کتابخانهٔ «کاستیبا لَمانچا» نگهداری می‌شود و نیز نسخه (MS. 1574) اشاره کرد که یادداشت‌هایی به تاریخ ۱۶۰۳ را در خود دارد و اکنون در کتابخانه ملی الجزایر نگهداری می‌شود؛ و همچنین موارد دیگری از این دست.[۱] به عبارتی، شاید بتوان نتیجه گرفت که در سال‌های پایانی حضور، در میان موریسک‌ها سیستم نوشتن با حروف لاتین آغاز شده که بعدها در

۱ برای نمونه‌ای دیگر از متون الخامیادو با حروف لاتین، می توان به کد MS. 9074 اشاره کرد که محتوای آن علاوه بر موضوعات متفرقه، عذرخواهی موریسکی در برابر قانون مسیحیت بوده و در کتابخانه ملی اسپانیا نگهداری می‌شود.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

تبعید و اخراج هم ادامه یافته است.[۱] به نظر می‌رسد با گذر سال‌ها و نزدیک شدن به زمان اخراج نهایی، افزایش آزار و اذیت مذهبی پس از یکسان‌سازی دینی اجباری که به‌طور حتم خطرات و عواقب جانی شدیدتری برای حمل و نگهداری متون عربی خالص و یا اسپانیایی با حروف عربی (الخامیادو) برای موریسک‌ها در پی داشت، سبب شد تا موریسک‌ها ادامهٔ جریان این پدیدهٔ فرهنگی را با نگارش حروف لاتین در پیش بگیرند و عملکرد متفاوتی را در حفظ سیستم قراردادی نگارشی که از قرن چهارده آغاز شده بوده، اتخاذ کنند (Rueter, 2016: 680).

به هر روی، از آنجا که این متون تولیدی با حروف لاتین ادامهٔ همان روند آغاز شده توسط مدجّن‌ها در قرن چهاردهم بوده و با اهداف مشابهی تولید می‌شده، در ذیل همان متون الخامیادو دسته‌بندی شده و در آمارها و ارائهٔ نتایج پژوهش‌ها در کنار هم و از یک رسته به شمار آمده‌اند؛ هرچند که برخی پژوهشگران این دست از نوشته‌ها را جزو متون الخامیادو به شمار نمی‌آورند؛ از آن جمله پرفسور «لوئیس برنابه پونز» استاد دانشگاه آلیکانته[۲] و متخصص دورهٔ موریسکی است که در گفت‌وگوی حضوری بر این نکته تأکید می‌ورزید و بر آن بود که نوشته‌های غیرعربی را نباید جزئی از الخامیادو به شمار آورد. درواقع، از آنجا که این متون به‌طور اخص به موریسک‌ها منتسب‌اند، برخی پژوهشگران غربی آنها را متون «موریسکی» می‌نامند (Castilla, 2019: 120). از این رو، در برخی پژوهش‌ها عنوان «ادبیات/ متون الخامیادو- موریسکی»[۳] را در کنار هم شاهدیم. تحقیق و پژوهش بیشتر در این باره برای علاقه‌مندان به موضوع پیشنهاد می‌شود.

احتوای متون[۴]

متون الخامیادو به صورت مشخص اسلامی‌اند (Sánchez y Rodríguez,1986: 120)

---

۱ مانند دست‌نوشته با کد MS. 9067 موجود در کتابخانهٔ ملی اسپانیا که بنا بر بررسی‌های تاریخ تولید متن، پس از اخراج موریسکها از اسپانیا، در تونس و البته به زبان لاتین نگاشته شده است.

۲ Alicante

۳ La Literatura Aljamiado-Morisco/ Los Manuscritos Aljamiado- Moriscos

۴. مطالب این قسمت، از تتبع در منابع و استنباط از پژوهشهای متأخر در این زمینه که در بخشهای مختلف مقاله به آنها اشاره شده- برای ذکر نمونه: Barletta y Bejarano, 2011 و Rodríguez, 1989– استخراج شده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

و این در مورد هر سه دورهٔ مودخاری، طغرینی و موریسکی صدق می‌کند؛ زیرا به قول برنابه پونز: «ادبیاتی است که چه به صورت تألیف، چه ترجمه و چه نسخه‌برداری توسط مسلمانان و برای مسلمانان تولید شده است» (Bernabé Pons, 2010: 27). یا به نقل از «اوتمار هگی»[۱] استاد مطالعات اسپانیایی و محقق برجسته در زمینهٔ متون الخامیادو، با تعبیری محقق‌پسند: «یک نوع اسلامی از اسپانیایی» است (Castilla, 2019: 120).

دربارهٔ محتوای نسخه‌های بر جای مانده می‌توان گفت بیشتر این کدها مجموعه برگه‌هایی با موضوعات متفرقه‌اند. یادداشت‌ها و تک‌برگه‌های مجزا هم در میان نسخ مکشوفهٔ موجود فراوان است. محتوای بیشتر متون به دست آمده، مذهبی، عبادی، فقهی-کلامی و اخلاقی است که نشان‌دهندهٔ تمایل و نیاز جامعهٔ مصرف‌کننده به این موضوعات است. به‌جز یک مورد قرآن کامل به زبان اسپانیایی که در سال ۱۶۰۶ نگاشته شده و از منطقهٔ آراگون به دست آمده،[۲] حدود ۲۷٪ از کل نسخه‌ها تنها حاوی برخی سور و آیات قرآن، تفسیر و موضوعات قرآنی است. متون مربوط به دعا و عبادت حدود ۱۹٪ از کدها را به خود اختصاص داده، ۸٪ دست‌نوشته‌ها خطبه‌های مذهبی و حدود ۷٪ از آنها حدیث است. پس از اینها پرشمارترین مطالب مربوط به حرز، طلسم و جادوست که آن هم حدود ۷٪ متون را شامل می‌شود، ۵٪ متون کشفی دستور زبان (صرف و نحو) و آموزش الفبای عربی و واژه‌شناسی و ۴٪ موضوعات اخلاقی است. مقولهٔ نماز ۳٪ و احکام نیز ۳٪ از متون را شامل می‌شود. موضوعات دیگر در میان متون الخامیادو که گویای اقبال و نیاز جامعهٔ استفاده کننده به این موضوعات است، شامل موارد زیر است: قصص الانبیاء و حکایات حکما، گفتمان‌های معنوی، جدل (با مسیحیان و یهودیان)، شعر و داستان، متون حقوقی، فرم‌های دفتر اسناد رسمی، فرم‌های قرارداد، آیین‌ها و مراسم، نجوم، تقویم و ماه‌های اسلامی و مسیحی، طب، نسخ و دستورات پزشکی و بهداشتی، برنامه‌های سفر، سفرنامه، اوراق و نامه‌های شخصی، ادعیهٔ طلب آب و باران و متون – ظاهراً – با گرایش‌های شیعی (ذکر مطالبی دربارهٔ علی‌بن أبی‌طالب)[۳] و بسیاری موضوعات دیگر.

---

۱ Ottmar Hegyi

۲ کد Ms. 235 (محل نگهداری: کتابخانه کاستیا لمانچا).

۳ دست‌کم در نُه متن کشف شده اشاراتی به علی(ع) شده است. یکی از این متون با کد Ms. D.565 در کتابخانه‌ای در

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

با توجه به شواهد به دست آمده از متون و تخمین تاریخ آنها، به نظر می‌رسد در دوران موریسکی گرایش‌های مذهبی، آموزشی و فقهی و نیز تمایل به استفاده از طلسم، جادو و فال بیشتر شده است که به‌طور حتم می‌توان شرایط سخت مذهبی، اجتماعی و فرهنگی دورهٔ موریسکی و نیاز به پنهان‌کاری‌های فراوان دینی و اجتماعی را در افزایش گرایش به این مقولات دخیل دانست.

نتیجه‌گیری

الخامیادو نوع خاصی از ادبیات زیرزمینی است که از آخرین مسلمانان ساکن اندلس پس از استرداد مسیحی آن بر جای مانده است. توجه به برخی پارامترها مانند شباهت معنایی و واژگانی الخامیادو با الخاما و الخامیا، خاستگاه و اهداف تولید متون، کاربرد واژهٔ الخامیادو توسط خود تولیدکنندگان متون و بالطبع ضعیف بودن احتمال پذیرش بار تحقیرآمیز واژه عجم/ عجمیه از سوی تولیدکنندگان به سبب مغایرت با اهداف مدّ نظر و نیز توجه به سیستم آوانگاری دقیق در نگارش متون الخامیایی، سبب شده است تا نظریهٔ اشتقاق واژهٔ الخامیادو از الاعجمیه، چندان قابل پذیرش نباشد و در کنار آن فرضیه، نسبت واژهٔ الخامیادو با الجامعه هم قابل طرح و بررسی باشد.

بنا بر یافته‌های پژوهش، دورهٔ مدجّنی و طغرینی که میان دوران حاکمیت اسلامی - با آزادی کامل مذهبی، اجتماعی و سیاسی- و دوران موریسکی -که تحت حاکمیت شدید و چکشی مسیحیان، هرگونه هویت اجتماعی، مذهبی و سیاسی از مسلمانان باقیمانده سلب شده بود- قرار داشته، زمینه‌ساز ایجاد و به کارگیری الخامیادوَ شد و عیسی سگویایی، نخستین مترجم قرآن به زبان اسپانیایی، تنها نقش شتاب دهنده را در اجرای این پدیدهٔ فرهنگی برعهده داشت.

با وجود آنکه متون الخامیادو توسط علمای مدجّن و طغری نهاد الجامعه منطقهٔ آراگون به عنوان راهکاری برای اعلام وجود و استقلال‌طلبی جامعه‌ای در اقلیت و با هدف پیوند دوباره با زبان عربی شکل گرفت، اما در دوران موریسکی تا پیش از

بولونیا (Bolonia) نگهداری می‌شود که دکتر خوسه کوتیاس استاد دانشگاه الیکانته، آن را مورد بررسی قرار داده است (ن.ک. به: Cutillas, 2012: 49-64).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

اخراج قطعی، با رشد تولید و استفادهٔ متون زیرزمینی الخامیادو مواجه‌ایم. گویا این افزایش تولید و مصرف، به سبب جو اختناق شدید حاکم بر جامعه و به تبع آن تلاش مضاعف جوامع موریسکی برای حفظ جان، مال و مذهب خود صورت گرفته است. علاوه بر این، در میان موریسک‌ها تولید متون با گرایش‌های مذهبی، محتواهای آموزشی و نیز تمایل به استفاده از حرز، طلسم و جادو با توجه به شرایط خفقان‌آور مذهبی، اجتماعی و فرهنگی و در پی آن ضرورت تشدید مخفی‌کاری، افزایش چشمگیری داشته است.

تقریباً در تمام متون تولیدی از آغاز تا انجام، یک سیستم قراردادی یکسان وجود دارد. در بیشتر آنها زبان رومی با نگارش الفبای عربی مورد استفاده قرار می‌گرفته است، اما در اواخر قرن شانزدهم و نیز اوایل قرن هفدهم، یعنی در انتهای دورهٔ موریسکی با تغییر سیستم نگارشی مواجه هستیم؛ یعنی تمایل به استفاده از حروف لاتین به جای حروف عربی بیشتر شده است. این امر نیز به یقین به سبب افزایش خطرات و چالش‌های حمل و نگهداری هرگونه متن عربی و یا عربی-گونه (الخامیادو) برای جامعهٔ موریسک‌های رو به اخراج در منطقهٔ اسپانیا بوده است.

به هر روی، پدیدهٔ الخامیادونگاری تقریباً در مناطق دیگر همراه با مهاجرت، پناهجویی و اخراج موریسک‌ها رواج یافت و در مناطق فرود آمده بومی شد و با ترکیب در زبان‌های مقصد به کار گرفته شد؛ هرچند دوام و عمر آن چندان نبود و به‌تدریج رو به فراموشی گذاشته شد و در نهایت به نابودی گرایید.

منابع و مآخذ

الف. کتب و مقالات

- احمدوند، عباس و محمدرحیم بیرقی (بهار و تابستان ۱۳۹۴)، «طرح کنترافرنسیا و نقش آن در پیشبرد قرآن‌پژوهی در غرب»، *پژوهش دینی*، ش ۳۰، صص۱۰۵-۱۱۹.
- بوکیل، أمینة (ربیع‌الاول ۱۴۳۸)، «مقاربة لأدب الخامیادو: ذلک التراث الأندلسی المنسی؛ دراسة فی المصطلح و المصادر»، *آفاق الثقافة و التراث*، ش۹۶، صص۹۷-۱۰۹.
- متقی، حسین (بهار ۱۳۹۵)، «اهمیت دست‌نویس‌های اعجمی در پژوهش‌های تراثی (بررسی موردی سنّت کتابت متون کهن یونانی، بوسنیایی و کاستیلی با الفبای عربی)»، *کتاب گزار*، ش۱، صص۳۴۳-۳۵۸.

– همتی گلیان، عبدالله (بهار ۱۳۸۳)، «مدجّنان و موریسکوها در فرهنگ اسپانیا»، *مطالعات اسلامی*، ش۶۳، صص۱۸۷-۲۱۴.
– ..... (۱۳۸۹)، *مدجّنان، پژوهشی در تقابل و تعامل اسلام و مسیحیت در اسپانیا*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

ب. منابع لاتین

– Barletta, Vincent Addenda y Ruiz Bejarano Barbara (2011), "Relación de Manuscritos Aljamiados Conocidos", *Index Mss Aljamiados - Working Paper,* Valencia: https://www.academia.edu/1651695/Index Mss Aljamiados - Working paper, accessed 2022.
– Bejarano, Ruiz, Barbara (2015), *Praxis Islámica de los Musulmanes Aragoneses a Partir del Corpus Aljamiado-Morisco y su Confrontación con Otras Fuentes Contemporáneas*, Dirigida por el: Luis F. Pons, Alicante.
– Bernabé Pons, Luis. F. (2010), "Los Manuscritos Aljamiados Como Textos Islámicos", In Alfredo Mateos Paramio and Juan Carlos Villaverde (eds), *Memoria de los Moriscos. Escritos y Relatos de Una Diáspora Cultural [Memory of the Moriscos, Writings and Stories of A Cultural Diaspora]*, pp.27–44.
– Castilla, M. D, Nuria (2014): "The Copyists and their Texts. The Morisco Translations of the Qur'an in the Tomás Navarro Tomás Library (CSIC, Madrid)", *Al-Qantara*, vol.35, no.2, pp.493-525.
– ---------, (2019), "Uses And Written Practices In Aljamiado Manuscripts", *Creating Standards: Interactions with Arabic script in 12 manuscript cultures, edited by Dmitry Bondarev, Alessandro Gori and Lameen Souag*, Berlin, Boston: De Gruyter, pp. 111-130.
– Cebrián, J. A. (2003), *La Cruzada del Sur: La Reconquista: De Covadonga a la Toma de Granada*, La Esfera de los Libros Sl.
– Cervantes, Miguel D. (1997), *Don Quijote de la Mancha*, Centro Virtual Cervantes, Instituto Cervantes, 1997-2022, Reservados todos los derechos, cvc@cervantes, es Cvc. «Don Quijote de la Mancha». Primera Parte. Capítulo Ix (1 De 2). (Cervantes. Es), accessed 2022.
– Cervera Fras, M. J. (1989), "Mudéjares y moriscos en la sociedad aragonesa", *Historia de Aragón(Economía y sociedad)*, Vol. 2, pp. 363-370.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]
[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

- Chejne, Anwar. G. (1983), *Islam and The West: The Moriscos: A Cultural and Social History*, Albany. N. Y, State University of NewYork Press.
- Cutillas, José F. (2012), "Political Plots, Espionage, and a Shi'a Text among the Moriscos", *Journal of Shi'a Islamic Studies*, vol.5, no.1, pp. 49-64.
- Epalza, Mikel. D. (1992), *Los Moriscos Antes y Después de la Expulsión*, Editorial Mapfre Madrid.
- Fertin, Brisville. O. (2016): " Aljamía O Aljamiado?", Esbozo de Caracterización Sociolingüística de la Variedad Aljamiada, *Atalaya*. https://journals.openedition .org/atalaya/1791, Accessed 24/02/ 2022.
- Fuentes, Á. G. D. (1998), *Los Manuscritos Aljamiado-Moriscos de la Biblioteca de la Real Academia de la Historia: (Legado Pascual de Gayangos)*, Real Academia de la Historia.
- Guillén Robles, Francisco (1889), *Catálogo de los Manuscritos Árabes Existentes en la Biblioteca Nacional de Madrid*, Madrid: Manuel Tello.
- Harvey, Leonard Patric (2005), *Muslims in Spain, 1500 to 1614*, Chicago and London: The university of chicago press.
- Kontzi, R. (i1970), "Aspectos del Estudio de Textos Aljamiados", *Thesaurus: Boletín del Instituto Caro y Cuervo,* vol.25, no. 2-3, pp.196-213.
- Labarta, A. y. y M. G.Arenal (1981). "Algunos Fragmentos Aljamiados del Proceso Inquisitorial Contra Yuçe de la Vaçía, Alfaquí de la Villa de Molina (1495)", *Nueva Revista de Filología Hispánica,* vol.30, no.1, pp.127-142.
- Lévi-Provençal, E. y Harvey, L. P. (1960), "Aljamía", In: *Encyclopaedia of Islam*, Second Edition, Edited By: P. Bearman, Th. Bianquis, C. E. Bosworth, E. Van Donzel, W. P. Heinrichs, Consulted Online on 24 January 2022 , Http: //Dx. Doi. Org/10. 1163/1573-3912 Islam Sim 0548 .
- *Lexico*, Powered By Oxford Dictionary, "Tagarino", TAGARINO | Definition of TAGARINO by Oxford Dictionary on Lexico.com also meaning of TAGARINO, Accessed 24/02/ 2022.
- López-Morillas, C. (1999), "Lost And Found? Yça Of Segovia and the Qurʾān Among the Mudejars and Moriscos", *Journal of Islamic Studies*, vol.10, no.3, pp. 277-292.
- Martorell, Joanot (1974), *Tirant lo Blanc* [1490], Castilian Translation in 1511,

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

ed: By Martín de Riquer, Madrid: Espasa-Calpe.
- MS 232, Toledo, Biblioteca de Castilla y La Mancha.
- Ms 5354, Toledo, Biblioteca de Castilla y La Mancha.
- Ms J-68, Madrid, Biblioteca Tomás Navarro Tomás (CSIC)- (Biblioteca de la Junta).
- Ms J-70, Madrid, Biblioteca Tomás Navarro Tomás (CSIC)- (Biblioteca de la Junta).
- Ms J-71, Madrid, Biblioteca Tomás Navarro Tomás (CSIC)- (Biblioteca de la Junta).
- Ms J-89, Madrid, Biblioteca Tomás Navarro Tomás (CSIC)- (Biblioteca de la Junta).
- Ms J-97, Madrid, Biblioteca Tomás Navarro Tomás (CSIC)- (Biblioteca de la Junta).
- Ms. 1. 880, El Escorial, Biblioteca de San Lorenzo de El Escorial.
- Ms. 11/9394, Olim S-2, Madrid, Biblioteca de la Real Academia de la Historia.
- Ms. 4870, Madrid, Biblioteca Nacional de España.
- Ms. 4886, Madrid, Biblioteca Nacional de España.
- Ms. 9067, Madrid, Biblioteca Nacional de España.
- Ms. 9074, Madrid, Biblioteca Nacional de España.
- Ms. B (Est. p. tab. V, nº 2), Zaragoza, Colegio Escuelas Pías o de Padres Escolapios.
- Ms. D.565, Bolonia, Biblioteca della Università.
- Ms. Res. 245, Madrid, Biblioteca Nacional de España.
- Onceno, Alfonso (1863), *Poema Alfonso Onceno, Rey de Castilla y de Leon*, Manuscrito del Siglo XIV, Publicado por Vez Primera de Orden de su Majestad la Reina con Noticias y Observaciones de Florencio Janer, Madrid, Impreso por Don Manuel Rivadeneyra.
- Real Academia Española (RAE), "Tagarino", *Diccionario de la Lengua Española*, 23. ª ed, Versión 23. 5 En Línea, Https://Dle.Rae.Es/Tagarino, Accessed 24/02/2022.
- Real Academia Española (RAE): *Diccionario de la Lengua Española*, "Aljama", 23. ª ed., Versión 23. 5 en Línea. Https://Dle.Rae.Es/Aljama ,Accessed 24/02/2022.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]

- Real Academia Española (RAE*): Diccionario de la Lengua Española*, "Aljamía", 23. ª ed., Versión 23. 5 en Línea. Https://Dle.Rae.Es/Aljam%C3%Ada?M=Form, Accessed 24/02/2022].
- Ribera, Julián y Miguel Asin (1912), *Manuscritos Árabes y Aljamiados de la Biblioteca de la Junta*, Junta para la Ampliación de Estudios e Investigaciones Científicas, Madrid.
- Rodríguez, A. V. (1989), "Una aproximación a la datación de los manuscritos aljamiado-moriscos", *Estudios románicos*, no.5, pp.1419-1439.
- Rueter, M. (2016), "Of Morisco Memes and Prophecies", *Ehumanista: Journal of Iberian Studies***,** pp.677-696.
- Saavedra Moragas, Eduardo (1878), *Discursos Leídos Ante la Real Academia Española en la Recepción Pública del Excmo. Señor Eduardo Saavedra el 29 de Diciembre de 1878*, La Compañia de Impresores y Libreros.
- --------- (1889), "Índice General de la Literatura Aljamiada", *Memorias de la Real Academia Española*, vol.6, pp.140-328.
- Sala, Marius and Posner, Rebecca (2021), "Romance Languages". *Encyclopedia Britannica*.
- Sánchez Álvarez, Mercedes y Antonio Vespertino Rodríguez (1986), "Algunas Observaciones Sobre la Lengua de los Moriscos", En Abdeljelil Temimi (ed), Actes de la Première Table Ronde du C. I. E. M. Sur la Littérature Aljamiadomorisque, Hybridisme Linguistique et Univers Discursif, Túnez: Centre de Recherches en Bibliothéconomie et Sciences Del'information.
- Vélez de Guevara, Luis (2010), *La mayor desgracia de Carlos Quinto, y hechizerias de Arge*, Biblioteca Nacional, original publish en Çaragoça, por Diego Dormer, a costa de Iusepe Ginobart (1633).
- Whitehead, Frederick y Eugène Vinaver (2019), "romance", *Encyclopedia Britannica*, https://www.britannica.com/art/romance-literature-and-performance.

List of sources with English Handwriting (Transliteration)

- Aḥmadwand, Abbās wa Moḥammad Raḥīm Biyraqī (spring and summer 2014), " Ṭarḥ-i Cuntrāfransīa (contraference) wa Naqsh-i ān dar Pīshburd-i Qurān Pajūḥī dar Gharb", *Pajūhish-i Dīnī*, Vol. 30, pp. 105-119.
- Būkiyl, ʾAmīna (Rabíʿ 1438), "Muqāraba l-i-ʾAdab Aljāmīado: dhālik al-Turāth

al-Andalusī al-Mansī; *Darāsa fī l-Musṭalaḥ wa l-Maṣādir*", *Âfāq l-Thaqāfa wa l-turāth*, vol. 96, pp. 97-109.

- Muttaqī, Hussayn (Spring 2016), "Ahammīyyat-i Dast-niwisht-i-hā-yi ʿAjamī dar Pajūhish-hā-yi turāthī (Barrisī-yi muridī sunnat-i Kitabat-i mutūn-i Kuhan-i Yūnānī, Busnīyāyī wa Cāstīlī bā ʾalifbā-yi ʿArabī)", *Kitāb-i Guzār*, vol. 1, pp. 343-358.
- Himmatī Gulīyān, ʿAbdullāh (Spring 2013), " Mudajjinān wa murīscu-hā dar Farhang-i Spānīyā", *Muṭāliʿat-i Islāmī*, vol. 63, pp. 187-214.
- --------- (1389), *Mudajjinan, pajūhishī dar taqabul wa taʿamul-i Islam wa Masīḥīyat dar Ispānīa*, Mashhad, Bunyād-i Âstān-i Quds-i Raḍawī.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-09-12]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1401.14.53.1.1]

[DOI: 10.52547/pte.14.53.31]